

عنوان مقاله:

تحلیل انتقادی تصور خدا در اندیشه نیچه

محل انتشار:

دومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسنده:

رقیه خسروشاهی

خلاصه مقاله:

یکی از دغدغه های اساسی نیچه مسأله خدا است. وی که از معتقدان به مسیحیت بود پس از مدتی در مقابل مسیحیت و خدای آن ایستاد. در واقع موضوع انکار نیچه خدای مسیحی مدرن و همان خدای زمانه خویش است. نیچه با اعلام «مرگ خدا» پرده از واقعیتی برمی دارد که اتفاق افتاده و هنوز بسیاری از آن بی خبرند، خبری که بسیار هم جنجال برانگیز است. سپس وی می گوید تا به دور از براهین فلسفی با طرح دو ایده فرافکنی و خطا به عنوان خاستگاه های تصور خدا، ثابت کند خدایی که افراد باور دارند آفریده ذهن خود آنهاست و این بی خدایی را توجیه کند. اما باید توجه داشت که بی خدایی او به هیچ وجه الحادی نمی باشد و در طلب این نیست که انسان را جانشین خدا کند. خوشحالی وی از شنیدن مرگ خدا، نه از روی الحاد، بلکه به علت همواری مسیر برای ساختن خدایی تازه و ارزش های نوین است. در این مقاله برآنیم که تصور نیچه از خدا را به تصویر کشیده خاستگاه، علت و پیامدهای آن را بیان نموده و به نقد آراء وی بپردازیم.

کلمات کلیدی:

خدا، نیچه، مرگ خدا، مسیحیت.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1183387>

